

گفت‌وگوی «برجامی» با رشیدی کوچی، نماینده مجلس

«برجام» روحانی و رئیس‌ی فرقی ندارد

نماینده مرودشت در مجلس یازدهم نگاه متفاوتی نسبت به «برجام» دارد و با وجود اینکه موضوع پایان‌نامه ارشدش «برجام» بوده و به گفته خودش اشراف کاملی به موضوع دارد؛ بر این عقیده است که با وجود همه انتقاداتی که به برجام داشته و دارد، باید سایر همکارانش هم در این باره شفاف عمل کنند.

صفحه ۲

سرمقاله

تمثیلی برای فردای توافق!



علی دهقان

برای لحظه‌ای تصور کنید که همین فردا قرار است تحریم‌ها بار خود را از روی دوش توسعه ایرانی بردارند. در برده نخست بی‌شک امیدی که در بطن این خبر نهفته است، می‌تواند ضربان مثبتی را برای بازار و محل تجمع زندگی اقتصادی مردم به همراه آورد. همین احساس کوچک شادمانی از اینکه راهی به سوی فردایی بهتر وجود دارد، خود یک محرک برای تغییر رنگ داده‌های مایوس به شمار می‌روند. برای همین در نگاه نخست بازگشت فرایندهای تحمیلی را می‌شود یک انرژی در سطوح ارگانیکسم اقتصاد ارزیابی کرد؛ ولی این نهایت کار نیست. گره‌های ساختاری اقتصاد ایرانی با یزم‌های ناهنجاری که غیرمولدها در مقام تصمیم‌سازی‌های اجرایی بر قطر نارسایی‌های ساختاری افزوده‌اند، چشم‌انداز مطلوبی را در مقابل چشم قرار نمی‌دهد. در فردای تحریم‌ها صرفا با امید نمی‌شود ارزش افزوده ملی را در جایگاهی کارآمد قرار داد که حتی نسل‌های آینده هم بتوانند کمی از پشتوانه شکل‌گیری یک عقلانیت ابزاری یا ساختارمندشدن وجوه عقلانیت اجتماعی بهره ببرند. به گمانم مسئله اصلی فردا فروش نفت یا نرخ پول‌های خارجی و وضعیت فضای کسب‌وکار نیست، نه اینکه نباشند، بی‌شک رونق این مؤلفه‌های اقتصادی معنایی جز رشد و پیشرفت ندارند. باید نگاه را برداشت و کمی دورتر برد و تا حدودی چشم‌اندازی عمیق‌تر را بررسی کرد. پرسش‌گری، فهم مطلوبیت اقتصادی را از لایه‌های سطحی به دهلیزهای عمیق‌تری می‌برد. مثلا می‌شود پرسید که آیا رفع تحریم‌ها جدا از امیدآفرینی و گشایش مقطعی در معاملات اقتصادی می‌تواند منجر به ایجاد راهبردهایی برای مبارزه با «تعارض منافع» شود؟ می‌دانیم نابرابری، فضلی دردآور برای اقتصاد ایران است. بیش از ۸۰ درصد نقدینگی غیرمولد را در ایران سپرده‌ها تشکیل می‌دهند که بیش از ۷۰ درصد آنها در اختیار یک درصد سپرده‌گذاران است. این دو عدد نمایی واضح از گیمه بزرگ نابرابری را به رخ می‌کشند. آیا رفع احتمالی تحریم‌ها و توفیق در توافق وین می‌تواند مبنایی برای اصلاح فعالیت شبکه خصوصی بازار پولی کشور و کاهش این سطح از نابرابری شود؟ خاطره مشترک چند نسل از فعالان اقتصادی ایران، رنج‌هایی را تبیین می‌کند که تولیدکنندگان و صاحبان سرمایه‌های مولد یا به تعبیری کارآفرینان ملی متحمل شده‌اند. در کنار آنها که بنشیند گاهی خاطرات دردآوری را می‌شنوئی که میان یک تولیدکننده جوان با یک تولیدکننده سالمند به طور مشترک دست به دست می‌شوند. همه آنها زیان‌دیده فقدان اندیشه صنعتی و بالانشینی اقتصاد پولی هستند. تولیدکننده بی‌شک جایش روی چشم توسعه است؛ اما سال‌ها می‌شود که آنها غبار ناکارآمدی‌های اجرایی و زیرکی‌های بدنه پولی کشور را در گلسوی خود تجربه می‌کنند. اگر فردا دوباره به زنجیره جهانی وصل شدیم، آیا راهکاری برای غلبه بر مشکلات تولیدکنندگان وجود دارد؟ آیا می‌شود تولیدکننده داخلی را از آرزوی غلبه بر مشکلات بوروکراسی فشل عبور داد و به سرم‌میزل آرامش رساند؟ فقم در ایران وجود دارد و تا آن را لمس نکنیم، نمی‌شود مختصات غلبه‌کردن بر آن را طراحی کرد.

فقر یک مسئله اقتصادی/ نهادی است که بنا بر مصالح سیاسی و با اتکا به آمارهای ریز و درشت، انکار یا تأیید آن واقعی نخواهد بود. آمارهای رسمی می‌گویند در انتهای دهه ۹۰ چیزی معادل ۷۴ درصد از کل هزینه‌های سالانه یک خانوار شهری صرف خرید کالاهای غیرخوراکی شده است؛ یعنی یک خانوار شهری بخش بزرگی از درآمد خود را در سال برای مسکن و کالاهایی نظیر سوخت صرف کرده است. این معنایش فقری تلخ است. با این همه تا در پوستین فقر نباشیم، درک زخم فقر مفهومی نخواهد بود. دوسوتو، اقتصاددان پرویی، می‌گوید: کسانی که به دنبال اصلاح وضعیت فقر هستند، باید خود را به جای فقرا قرار دهند و راه آنها را دنبال کنند. باید حساب بلورین فقر را شناخت و درون آن قرار گرفت که ماهیت این فاجعه اقتصادی مشخص شود. این نگاه یعنی به مواجهه با فقر برخورداری از یک عقلانیت اجتماعی، عبور از منعت‌طلبی‌های فردی و گروهی و درک مقتضیات جامعه ضرورت دارد. از منظر فوق نهاد دولت در سال‌های گذشته یکی از ارکان تولید فقر محسوب می‌شود. پیکره تصمیم‌سازی‌های روشمند این نهاد (در بسیاری از مواقع) در اختیار نیروهای غیرمولد و فاقد توان تولید ثروت کارآمد بوده است. این جریان در بطن خود فقدان درک محتوایی فقر را نهانیده کرده است. مسئولیت‌های اجرایی مبتنی بر رانت‌های سیاسی یا رفیق‌یازی‌های رانتی نیاز به عقلانیت اجتماعی را باور ندارد و به طور طبیعی گسترش این تصصیات نهاد اجرایی را به پایگاه فاقد تخصص و جدایی از نیروهای کارکردگر و مولد تبدیل کرده است. قطعلا عارضه فقر باید به عنوان معلولی برای این علت به نظر گرفته شود. فردای ارتباط دوباره با گردونه نظام بین‌الملل نمی‌تواند جدا از راهبردسازی برای غلبه بر مشکلات ساختاری باشد و قطعا بدترین برخورد با این عوارض نیز جهت‌گیری‌های سیاسی، گریز از راهکارهای علمی با دفع این واقعیت‌ها با بهانه‌هایی نظیر سیاه‌نمایی خواهد بود. جامعه با کارکرد سلامت نهادی، بی‌شک جامعه‌ای خواهد بود که به مقتضیات عقل اجتماعی تن دهد. همه در فردای احتمالی بسط ارتباطات جهانی باید نیروهایی گرفتار و دغدغه‌مند باشیم؛ اما در راستای گریز از سیطره اجرایی لشکر بی‌کاران و تکیه بر پتانسیل‌های کارآمد و مولد؛ در غیراین‌صورت این در بر همان پاشنه خواهد چرخید. این‌گونه نیست؟



دوشنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۱ • ۸ صفر ۱۴۴۴ • ۵ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۶۷ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

گفت‌وگو با عیسی کلانتری:

با سر گربه نمی‌توان بازی کرد

عیسی کلانتری، دبیر ستاد و مجری طرح احیای دریاچه ارومیه در دولت حسن روحانی بود. بسیاری او را طراح طرح احیای دریاچه ارومیه می‌دانند؛ کسی که با حسن روحانی در مرکز تحقیقات استراتژیک تشخیص مصلحت نظام موضوع دریاچه ارومیه و خطراتش را پیش برد و احیای دریاچه ارومیه را به مهم‌ترین شعار تبلیغاتی و بعدها برنامه اجرایی دولت حسن روحانی تبدیل کرد....

صفحه ۶

در «شرق» امروز می‌خوانید: چرا مهدی طارمی مهم است؟، تهدید زمستان سرد کارساز نیست و **یادداشت‌هایی از** اردوان امیراصلانی، بابک زمانی، الهام فخاری

قطع برق خسارت ۷ میلیارد دلاری به صنایع ایران وارد کرده است

تنگنای برق

دود ناترازی انرژی بیش از همه در چشم صنایع رفته است

گزارش تیت‌ریک را در صفحه ۴ بخوانید



رفت و برگشت‌های مجازی مربی‌ای که گزینه احتمالی و همیشگی تیم ملی است

اسم رمز؛ علی دایی

گزارش تیت‌ریک را در صفحه ۹ بخوانید

یادداشت‌روزنامه‌نگاران

فساد بنیان افکن بی‌پرده



منو بدیعی

چندین سال پیش در یک سازمان دولتی در بخش روابطعمومی آن کار می‌کردم. گاهی با اتفاقاتی روبه‌رو می‌شدم که هرگز در روزنامه‌ها چه راست و چه اصلاح‌طلب روبه‌رو نبودم. گاهی می‌اندیشیدم که کار در روزنامه‌ها با وجود همه اجحافات و تضییع حقوقی که نسبت به تو به‌عنوان یک زن انجام می‌گیرد، بسیار فضای بهتر و صادقانه‌تری نسبت به یک سازمان دولتی است و ظاهرا بخش روابطعمومی آن که باید شفاف و تسهیلگر مسائل سازمانی و درون‌ساختاری باشد، از نظر ارتباطات انسانی و نظام مدیریتی، فسادآمیز و بسیار ناصدقانه‌تر از فضای روزنامه است. شاید هم این باور ناشی از آن می‌شد که من متعلق به نسل آرمان‌خواه روزنامه‌نگاران بودم و بدون اغراق هیچ وقت در فضای روزنامه ندیدم که خبرنگار یا گزارشگری بخواهد با سوءاستفاده از موقعیت خود دست به فساد علنی بزند. البته فساد در روزنامه نیز نیاز به تعریف دارد و این نوشته به‌هیچ‌وجه مدیران مسئول و سردبیران و مدیران میانی و پایه‌ای مطبوعات را مدنظر ندارد؛ اما در حوزه خبرنگاری، واقعا فساد عملی در دوره‌ای که من کار می‌کردم، وجود نداشت و توضیح بدهم که ملاک اصلا فضای امروز روزنامه‌ها نیست. بگذریم، در زمانی که من در آن سازمان دولتی بودم، مردی که از شهرستانی دور آمده بود، پیش من آمد و گفت: من برای انجام کاری که ارتباط نزدیک با این سازمان دارد، از شهرستانی دور آمده‌ام و به من رقم کلان رشوهای را پیشنهاد داده‌اند که فقط گریه من را درآورده است. من گفتم: چه کسی؟ اسم فردی را برد که دود از سر من بلند شد....

این مقدمه طولانی برای این نوشته شد که بگویم فساد مسئله‌ای ساختاری در نظام اداری و سازمانی ایران است که از گذشته‌های دور و نزدیک وجود داشته است. تخلف کلان باورکردنی در فوлад مبارکه اصفهان که پس از انقلاب ازجمله وسیع‌ترین‌هاست که ریشه در ساختار سازمان‌های اداری ایران دارد. ساختاری که بوروکراتیک، فسادبرانگیز، با مدیریتی ضعیف است که در برخی موارد به اشخاص و مدیران رده پایین‌تر اجازه می‌دهد حقوق و دستمزدهای نجومی برای خودشان به تصویب و اجرا برسانند و نبود سیستم بازرسی دقیق و کنترل و نظارت دقیق غیرفسادآور این مسئله را تشدید کرده است.

ریشه فساد از گذشته‌های دور و نزدیک قابل بررسی است؛ مثلا بنا بر پژوهش‌های موجود احمدشاه قاجار و نخست‌وزیر او به‌عنوان بالاترین مقامات کشور در قرارداد سال ۱۹۱۹ که با بریتانیا بسته شد، از این کشور رشوه گرفتند. میشل فوکو نظریه‌پرداز سیاسی می‌گوید فساد چسبی بود که در رژیم گذشته همه اجزای آن را به هم پیوند می‌داد. براساس اسناد منتشرشده بانک مرکزی تنها شریف‌امامی که رئیس مجلس سنا و یکی از نخست‌وزیران اسبق در سال ۵۶ بود، مبلغ یک میلیون دلار معادل بیش از یک میلیارد دلار امروز، فقط در یک بار از کشور خارج کرده بود.

ادامه در صفحه ۴

آخرین سمفونی معروفی

با یادداشت‌هایی از:

کیوان مهجور: دیگر اسمش بحیاست؟
حسن میرعبدینی: مجال بی‌رحمانه‌اندک بود

انتصابتاتی درراه شهرداری تهران که فاقد تجربه هستند

کارآموزان در بهشت

یک سال ازتشکیل کابینه ابراهیم رئیسی گذشت

کدام وزیر حاشیه‌سازتر بوده است؟

با پایان هفته دولت، حالا می‌توان گفت که کابینه ابراهیم رئیسی یک‌ساله شده است و وزرای دولت او یک سال است که بر مسند وزارت قرار گرفته‌اند. ارزیابی عملکرد وزیرانی که با رای بالا، مورد اعتماد مجلس قرار گرفتند پس از یک سال تا حد خوبی امکان‌پذیر است. البته در میان این وزرا، یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش کمی دیرتر و از آذرماه آغاز به‌کار کرد و حجت‌الملکی، وزیر سابق کار نیز به دلیل استعفا در خردادماه، حتی یک سال هم نتوانست در این وزارتخانه دوام بیاورد. اما با گذشت یک سال از آغازبه‌کار کابینه دولت سیزدهم، عملکرد وزرای این دولت چطور بوده است؟ عملکرد آنها در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی چه انعکاسی داشته است؟ این پرسشی است که تلاش می‌شود در این گزارش به آن پاسخ داده شود.مطالعه داده‌های توئیتر نشان می‌دهد که حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه و حجت‌الملکی وزیر سابق کار، بیشترین توجه را در میان کاربران توئیتری به خود اختصاص داده‌اند. توئیتهای منتشرشده راجع به این دو وزیر و میزان لایک این توئیته‌ها، با اختلاف بیش از سایر وزرای کابینه ابراهیم رئیسی بوده است. پس از آن، احسان خاندوزی، رستم قاسمی، عزت‌الله زغراغی، جواد اوچی و عیسی زارغوبور بیشترین توجه را در میان کاربران توئیتری براساس میزان لایک داشته‌اند.

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

برنامه‌های توسعه ایران: فقدان کنش‌های اجتماعی



اسفندیار جهانگرد اقتصاددان

اکثر افراد جامعه این موضوع برایشان پیش آمده که تابلویی مملو از جزئیات مشغول‌کننده را دیده باشند که فقط با واریسی دقیق به‌ناگاه چهره یا چیز دیگری را مکشوف می‌کنند که میان آن همه جزئیات نگاه‌شان پنهان مانده بود و برابند تصویر پنهان آن تابلو بود. علم اقتصاد در عمل با پیچیدگی‌ها و جزئیات زیاد، اقتصادها را با توان تولید و نحوه توزیع آنها ارزیابی می‌کند که همان چهره مکشوف در تابلو در عملکرد اقتصادها است. دراین‌باره بحث‌های زیادی در بدهستان بین کارایی، توان تولیدی بالفعل و نحوه توزیع این کیک (تولید ناخالص داخلی) در نظریه‌ها وجود دارد که هدف این نوشتار بررسی این موضوع نیست. هدف این یادداشت بررسی توان تولیدی کشور است که معمولا معیار کلیدی آن ارزیابی وضعیت تولید ناخالص داخلی و نحوه رشد آن است. تولید ناخالص داخلی، ارزش بازاری همه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده در یک اقتصاد در یک بازه زمانی معین است. اگر شما ارزش بازار تمام خودروهای تولیدشده، پوشاک، اغذیه، مسافرت‌های هوایی، موسیقی، مجلات و موارد دیگر از این دست را که در یک سال تولید شده‌اند، با یکدیگر جمع کنید، تولید ناخالص داخلی حاصل می‌شود. در ادبیات علم اقتصاد یکی از مهم‌ترین حقایق مرتبط با رشد اقتصادی این است که افزایش‌های پایدار در استانداردهای زندگی یک پدیده کاملا جدید در قرن بیست‌ویکم است و عموما عبارت «رشد اقتصادی» برای نشان‌دادن هر افزایشی در استانداردهای زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. میزان رشد اقتصادی عبارت از میزانی است که محصول ناخالص داخلی حقیقی افزایش می‌یابد. چه عللی سبب رشد اقتصادی می‌شوند؟ دراین‌باره علت نخست تغییر محصول ناخالص داخلی این است که مقدار منابع موجود در اقتصاد تغییر کند. منابع اقتصادی کلاسیک به سرمایه و نیروی کار تقسیم می‌شوند. نیروی کار شامل افرادی است که با شاغل یا در جست‌وجوی کارند، طی زمان رشد می‌یابند؛ بنابراین افزایش یک منبع رشد اقتصادی تولید را امکان‌پذیر می‌کنند. ذخیره سرمایه اجمله ساختمان‌ها و ماشین‌آلات نیز طی زمان رشد می‌کنند و به‌این‌ترتیب افزایش تولید را امکان‌پذیر می‌کنند.

ادامه در صفحه ۱۰

ساکن خانه شماره ۱۰ خیابان داوینگ استریت لندن امروز تغییر می‌کند و آن‌گونه که رسانه‌ها گزارش داده‌اند «لیز تراس» وزیر خارجه فعلی بریتانیا سکان هدایت دولت محافظه‌کار این کشور را در دست خواهد گرفت. دور نهایی رای‌گیری درون حزبی محافظه‌کاران برای تعیین جانشینی بوریس جانسون روز جمعه میان «ریشی سوناک» وزیر دارایی مستعفی دولت بوریس جانسون و «لیز تراس» برگزار شد. با اینکه قرار است نتیجه رسمی این رای‌گیری ظهر امروز اعلام شود اما نظرسنجی‌ها و گمانه‌زنی رسانه‌های معتبر بریتانیایی از پیروزی لیز تراس ۴۷ ساله در این رقابت حکایت دارد.

جان کورتیس، استاد علوم سیاسی دانشگاه‌های بریتانیا هم گفته است که: «اگر تراس برنده نشود، شگفتی بسیار بسیار بزرگی خواهد بود». در صورت اعلام پیروزی تراس، او که اکنون وزارت خارجه بریتانیا را بر عهده دارد، پس از مارگارت تاچر و ترزا می، سومین نخست‌وزیر زن تاریخ بریتانیا خواهد شد. ریشی سوناک هم روز گذشته در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی جهانی با پذیرش شکست احتمالی خود در رای‌گیری نهایی درون حزبی، برای کمک به دولت بعدی محافظه‌کار بریتانیا اعلام آمادگی کرد.با وجود رقابت نزدیک میان تراس و سوناک در هفته‌های ابتدایی اعلام نامزدی این دو، لیز تراس در هفته‌های اخیر به قدری از پیروزی خود مطمئن شده بود که لیست اعضای کابینه مدنظر او میان سیاستمداران دست به دست می‌شد و کارنامه سیاسی آنها مورد بررسی قرار می‌گرفت و حذف و اضافه‌هایی هم در این لیست رخ داده است. به گفته «کیتی بالز»، روزنامه‌نگار نشریه محافظه‌کار «اسپیکتور»، تراس در دوران سه نخست‌وزیر وفاداری مناسبی از خود نشان داده است.

این گزارش را در صفحه ۵ بخوانید

یادداشت

پیری دیجیتال والدین، مانع گفت‌وگودر خانواده



منصور ساعی*

اختلال در ارتباطات انسانی و گفت‌وگوی بین نسلی فرزندان و والدین در خانواده تحت تأثیر متغیرها و عوامل متخلف درون‌خانوادگی و برون خانوادگی است. از عوامل درون‌خانوادگی کاهش گفت‌وگوی بین والدین و فرزندان، ازدست‌رفتن «مرجعیت فکری و اطلاعاتی و نقش والدگری والدین» و «پیری دیجیتال والدین» است. منظورم از ازدست‌رفتن مرجعیت والدین و کاهش والدگری والدین در خانواده این است که نسل فرزندان به دلیل دسترسی به رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی، توانایی توسعه ارتباطات فراخانوادگی و دریافت و مبادله اطلاعات از منابع اطلاعاتی وکانال‌های گوناگون را دارند و دانش و تجربه والدین را پاسخ‌گوی مسائل و نیازهای فکری و دغدغه‌ها و ارزش‌های نوگرایانه خود نمی‌دانند و بنابراین مرجعیت فکری و اطلاعاتی والدین دچار اختلال شده است.درواقع یکی از کارکردهای رسانه‌ها به‌عنوان پدیده‌های جامعه مدرن، تولید و توزیع ایده‌ها و ارزش‌های نو به جامعه است. رسانه‌ها معمولا سنت‌ها و عرف رایج را به چالش می‌کشند؛ در نتیجه نسل‌های جدید که تولیدکننده، مصرف‌کننده و کاربر رسانه‌های نوین هستند، محتوا و معنایی را خلق و دریافت می‌کنند که چندان با عرف و ارزش‌های رایج همخوان نیست. بنابراین نسل جدیدی که دسترسی به منابع اطلاعاتی جدیدی دارد، مسائل و پرسش‌های جدیدی هم دارد. در چنین شرایطی اطلاعات و تجربه‌های پدر و مادرشان را به‌عنوان منابع اطلاعاتی قدیمی و بلااستفاده می‌بینند. به همین دلیل فکر می‌کنند گفت‌وگو با چنین نسلی برایشان بی‌فایده است و این ارتباطات را در بیرون از خانواده در رسانه‌ها و نهادهای دیگر یا در بین همسالان جست‌وجو می‌کنند.از دیگر سو، خود نسل والدین نیز دچار بحران هویتی و ارزشی نسلی شده و معتقد است ارزش‌ها و آرمان‌های نسل من به درد نسل امروزی نمی‌خورد و ارزش به‌اشتراک‌گذاری ندارد. درواقع نسل والدین تحت تأثیر تغییرات ارزشی سریع، به‌تدریج و در گذر زمان دچار استحاله ارزشی شده و خودش هم به ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی قبلی بی‌علاقه می‌شود. این بی‌علاقگی ارزشی و فاصله‌گرفتن از ارزش‌های قبلی با وقوع تغییرات شدید ارزشی در بستر زمان اتفاق می‌افتند.

ادامه در صفحه ۴